

تغییر کیفیت سود شرکت‌ها در طول زمان: تغییرات اقتصادی در برابر تغییر رویه‌های حسابداری

غلامرضا کردستانی*، داود زرنگ نصرآباد**

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی کیفیت سود در طول زمان است. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد در طی دهه‌های گذشته، نوسان‌های سود افزایش و مربوط بودن سود به ارزش و میزان تطابق درآمد و هزینه کاهش یافته است. این تغییرات به‌عنوان کاهش در کیفیت سود تفسیر می‌شود. در مورد این مسئله که دلیل اصلی این کاهش، تغییرات در رویه‌های حسابداری بوده یا تغییرات واقعی در اقتصاد، اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین هدف این تحقیق بررسی علت اصلی تغییرات کیفیت سود در طی زمان است. برای این منظور، مطالعه جامعی بر تمامی شرکت‌های تولیدی و خدماتی بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۳ انجام گرفت. بررسی روند تغییر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی ۲۵ سال گذشته نشان می‌دهد که علت اصلی کاهش کیفیت سود در طول زمان، تغییرات اقتصاد واقعی و نه تغییر در اصول پذیرفته‌شده حسابداری است.

کلیدواژه‌ها: کیفیت سود در طول زمان؛ تغییرات اقتصادی؛ تغییر رویه‌های حسابداری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹

* دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین (نویسنده مسئول).

E-mail: kordestani@soc.ikiu.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی سهروردی.

۱. مقدمه

در طول دهه‌های اخیر بحث کیفیت سود مورد توجه خاص پژوهشگران قرار گرفته و تلاش شده است که با دست یافتن به یک روش منطقی و معتبر، کیفیت سود ارزیابی و عوامل تاثیرگذار بر آن شناسایی شود [۶]. ارزیابی کیفیت سود گزارش شده ناشی از وجود محدودیت‌های ذاتی حسابداری تعهدی نظیر امکان انتخاب رویه‌های متعدد، اعمال نظر در فرآیند برآوردها و وجود انگیزه برای دستکاری سود است [۱۰]. پیشینه تجربی نشان می‌دهد که طی ۴۰ سال گذشته یا بیشتر، نوسان سود افزایش و مربوط بودن سود به ارزش و میزان تطابق بین درآمد و هزینه کاهش یافته است. مبانی نظری تحقیق، این تغییرات را به‌عنوان کاهش در کیفیت سود تفسیر می‌کند؛ اما در مورد این مسئله که آیا دلیل این کاهش، تغییرات در اصول پذیرفته‌شده حسابداری بوده یا تغییرات در اقتصاد واقعی اختلاف نظر وجود دارد [۵].

بسیاری از پژوهشگران علت اصلی تغییر در کیفیت سود را تغییر در رویه‌های حسابداری می‌دانند. آنها تغییر در رویه‌های حسابداری را عامل اصلی کاهش تطابق هزینه و درآمد و کاهش در مربوط بودن سود به ارزش که متغیرهای کیفیت سود می‌باشند، می‌دانند [۴، ۷، ۱۱، ۱۳] و این در حالی است که متغیر گذشت زمان به‌عنوان یک متغیر اقتصادی نادیده گرفته شده است. هر چند پژوهش‌های بسیار گسترده‌ای درباره ارزیابی کیفیت سود و عوامل موثر بر کیفیت سود به‌عمل آمده است؛ ولی تحقیقات بسیار کمی با استفاده از داده‌های سری زمانی اخیر و توجه به روند ورود شرکت‌های جدید در هر بازه زمانی به عرصه کسب‌وکار انجام شده است. تبیین این نظریه که تغییرات اقتصادی حاکم بر یک بازه زمانی عامل اصلی تغییرات کیفیت سود است یا تغییرات رویه‌های حسابداری، موضوعی جدید در تحقیقات و گامی مفید در جهت تکمیل مبانی نظری مرتبط با کیفیت سود است.

از آنجاکه تغییرات اقتصادی حاکم بر هر بازه زمانی، ممکن است علت اصلی تغییر ساختار ارقام دارایی‌ها و به تبع آن تغییر کیفیت سود شرکت‌ها شود. روند طی زمان به‌عنوان بزرگ‌ترین متغیر اقتصادی محسوب می‌شود؛ چرا که بسیاری از تحولات اقتصادی در آن نهفته است؛ بنابراین با تاثیر متغیر سال مالی بر متغیرهای کیفیت سود می‌توان تغییرات کیفیت سود را بررسی نمود. بدین منظور متغیر زمان را با ورود تدریجی و سال به سال شرکت‌های جدید به جامعه آماری و تغییر در ترکیب شرکت‌های مورد مطالعه طی یک بازه ۲۵ ساله در یک بازه زمانی نسبتاً گسترده تغییرات کیفیت سود بررسی شد [۱۶].

ورود شرکت‌های جدید به عرصه کسب‌وکار و افزایش دارایی‌های نامشهود موجب افزایش نوسان در درآمدها و هزینه‌ها و کاهش تطابق درآمدها و هزینه‌ها شده است و در نتیجه کیفیت سود را به‌صورت منفی تحت تاثیر قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که ورود پی‌در پی شرکت‌ها

طی ۲۵ سال اخیر به بورس اوراق بهادار تهران، تغییرات اقتصادی به همراه داشته و موجب افزایش تنوع ارقام نامشهود و کاهش میزان کیفیت سود شده است و این کاهش تصاعدی میزان کیفیت سود، عمدتاً به دلیل ورود شرکت‌های جدید به‌طور متوالی در بازار سرمایه است نه به دلیل تغییر رویه‌های حسابداری.

با بررسی تاثیر ورود شرکت‌های جدید به عرصه کسب‌وکار بر متغیرهای کیفیت سود که شامل تطابق درآمد و هزینه، نوسان درآمد، هزینه و سود و مربوط بودن سود به ارزش است به این سوال که آیا روند زمانی می‌تواند عاملی اساسی بر کاهش کیفیت سود باشد پاسخ داده شد. این پژوهش کمکی در راستای شفافیت آن است.

در ادامه پس از بررسی مبانی نظری تحقیق و تبیین فرضیه‌ها روش تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس یافته‌های تحقیق ارائه و از نتایج آزمون فرضیه‌ها نتیجه‌گیری می‌شود. در پایان پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در آغاز قرن بیست و یکم، ایالات متحده آمریکا از یک اقتصاد صنعتی به یک اقتصاد مبتنی بر دانش تبدیل شد. شرکت‌های آمریکایی سرمایه‌گذاری خود را در سرمایه‌های نامشهود نظیر: ابتکار و نوآوری، تکنولوژی اطلاعات، سرمایه انسانی و مشتری‌مداری افزایش دادند و همگام با گذشت زمان متوسط میزان ارقام نامشهود شرکت‌های آمریکایی افزایش چشمگیری داشته‌اند که این میزان با سنجش هزینه‌های تحقیق و توسعه، نسبت ارزش دفتری به بازار و نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری اندازه‌گیری می‌شدند. در واقع نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری به‌عنوان یک معیار برای اندازه‌گیری ارقام نامشهود مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا شرکت‌ها مخارج مربوط به ارقام نامشهود را از طریق حساب‌های فروش، عمومی و اداری هزینه می‌کنند [۲].

نتایج حاکی از پژوهش‌های سالامودیان و همکاران [۱۵] این بود که در بازار سرمایه مالزی هم مشابه با بازارهای پیشرفته (نظیر آمریکا و انگلیس) دارایی نامشهود ایجاد شده است و علاوه بر روند ایجاد این دارایی‌ها، این روندی افزایشی بوده است. در بورس اوراق بهادار تهران هم دارایی‌های نامشهود ایجاد شده از روند رو به رشدی برخوردار بوده است؛ به‌طوری‌که نسبت دارایی‌های نامشهود به ارزش بازار شرکت‌ها از ۲۲ درصد در سال ۱۳۸۵، به ۴۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این روند رو به رشد در ایجاد دارایی‌های نامشهود، با وضعیت بازارهای پیشرفته نظیر ایالات متحده، اروپا، استرالیا و مالزی سازگار است [۱۴]. حال این سوال مطرح است که دلیل عمده این روند افزایشی دارایی‌های نامشهود چیست؟

از سوی دیگر افزایش در میزان اقلام نامشهود متنوع به چندین دلیل موجب کاهش کیفیت سود می‌شود:

شرکتی که اقلام نامشهود دارد، احتمالاً نوسان‌های بیشتری در درآمدها و جریان‌های نقدی دارند، چون سرمایه‌های نامشهود نسبت به سرمایه‌های مشهود عدم اطمینان بیشتری در خصوص منافع آینده خواهند داشت.

شرکت‌هایی که اقلام نامشهود بیشتری دارند، اختیار خرید بیشتری خواهند داشت که در آنها ارزش و تغییر در ارزش‌ها معمولاً در ترازنامه و صورت‌های سود و زیان شناسایی نمی‌شود. شرکت‌ها عموماً سرمایه‌های خود را در اقلام نامشهود تولید شده داخلی هزینه می‌کنند. هزینه‌هایی که در هنگام سرمایه‌گذاری در اقلام نامشهود به‌وجود می‌آید، صرف‌نظر از زمان تحقق منافع مربوط، نوسان هزینه‌ها را افزایش و تطابق بین درآمد و هزینه را کاهش می‌دهند. افزایش نوسان درآمد و هزینه به همراه کاهش در تطابق درآمد و هزینه، موجب افزایش نوسان در سود می‌شود که این نوسان‌ها پیش‌بینی نیازهای آینده شرکت را دشوار خواهند کرد [۷]؛ بنابراین انتظار می‌رود شرکت‌های دارای اقلام نامشهود، مربوط بودن سود به ارزش را کمتر نشان دهند؛ بنابراین رابطه منفی محکمی بین میزان اقلام نامشهود و متوسط میزان کیفیت سود (نوسان‌ها، مربوط بودن و تطابق) وجود دارد [۱۶].

رویه‌های حسابداری عمدتاً در خصوص نحوه شناسایی درآمدها و هزینه‌ها است و تغییر این رویه‌ها می‌تواند بر ساختار اقلام دارایی‌ها و ساختار سرمایه شرکت‌ها تأثیرگذار باشد [۷، ۱۱]. از طرفی شوک‌های اقتصادی که خارج از کنترل شرکت‌ها می‌باشند، عملکرد واحد تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در این زمینه پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. در واقع تغییرات اقتصادی حاکم بر هر بازه زمانی، ممکن است علت اصلی تغییر ساختار اقلام دارایی‌ها و به تبع آن تغییر کیفیت سود شرکت‌ها شود [۱۶].

به نظر سربواستوا (۲۰۱۴)، تغییر در اصول پذیرفته‌شده حسابداری نمی‌تواند دلیل اصلی کاهش کیفیت سود باشد؛ زیرا استانداردهایی که در خصوص هزینه‌هایی که به‌صورت ضروری، فوری و غیرقابل اجتناب برای سرمایه‌گذاری در اقلام نامشهود شرکت‌ها هزینه می‌شود در سال‌های بسیار دور هم وجود داشته بود [۱۶]. وی با استفاده از مدل‌های بران و کاپادیا (۲۰۰۷)، روشی را ابداع نمود که به بررسی علت اصلی افزایش اقلام نامشهود و در پی آن کاهش کیفیت سود پرداخت. وی با کشف پدیده‌ای با عنوان «لیست جدید» توانست با وارد نمودن شرکت‌ها در بازه‌های مختلف (در پژوهش وی منظور از بازه‌ها همان دهه‌های مختلف بود) و مقایسه آنها با یکدیگر نشان دهد که تغییرات اقتصادی حاکم بر هر بازه موجب تغییر ساختار اقلام دارایی‌ها و

ساختار سرمایه شرکت‌ها شده است.

سرویوستوا (۲۰۱۴)، با استفاده از مدل‌های بران و کاپادیا (۲۰۰۷) نشان داد که تغییرات اقتصادی حاکم بر هر بازه عامل اصلی افزایش اقلام نامشهود و کاهش کیفیت سود شرکت‌ها بوده است [۱۶]؛ همچنین دانیلسن و همکاران [۸] دریافتند که کاهش تطابق درآمدها و هزینه‌ها با افزایش اقلام خاص که برخاسته از تحولات اقتصادی و تغییرات در اصول پذیرفته‌شده حسابداری می‌باشد، ارتباط دارد. زاهدی تهرانی و صادقی شریف (۱۳۹۱)، عوامل متعددی نظیر عوامل سیاسی، اجتماعی فرهنگی، تکنولوژیکی و در نهایت عوامل اقتصادی (نظیر: تولید ناخالص ملی، تورم، نقدینگی، قیمت سکه بهار آزادی، نرخ ارز و قیمت واقعی نفت خام) را موثر بر بازده بازار و ایجاد نوسان در شاخص بورس اوراق بهادار و در نتیجه افزایش ریسک حضور در آن بازار می‌دانند [۱۷].

اما بسیاری از پژوهشگران نظیر ظریف فرد و جهانخانی [۱۸]، بولو و حساس یگانه [۴]، مشایخی و منتی [۱۲]، لیو و زاروین [۱۱]، منعم و فرشادفر [۱۳]، عرب‌مازار یزدی و کرانی [۱] و دیچیو و تانگ [۷] علت اصلی تغییر در کیفیت سود و اقلام نامشهود را تغییر در رویه‌های حسابداری می‌دانند. برای نمونه نتیجه تحقیقات برخی از این پژوهشگران در زیر بیان شده است. مشایخی و منتی [۱۲] در بورس تهران به بررسی عوامل موثر بر نوسان‌پذیری سود پرداخته‌اند برخی از متغیرهای پژوهش مربوط به حسابداری و برخی دیگر مربوط به اقتصاد بوده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل حسابداری و عوامل اقتصادی (به استثنای چرخه عملیاتی شرکت) هر دو تاثیر با اهمیتی در به‌وجود آوردن نوسان‌های سود دارند.

بولو و حساس یگانه [۴] در ایران و منعم و فرشادفر [۱۳] در استرالیا به بررسی روند تغییرات کیفیت سود در طول زمان پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود در شرکت‌های ایرانی و استرالیایی از الگوی گام تصادفی پیروی می‌نماید.

دیچیو و تانگ [۷] در پژوهش خود کاهش تطابق هزینه و درآمد را مستند کردند؛ اما آنان عامل این کاهش را تغییر در ترکیب صنایع جامعه آماری شرکت‌ها، تغییر در ویژگی‌های شرکت‌های نمونه و یا تغییر در اقتصاد واقعی ندانستند.

لیو و زاروین [۱۱] کاهش در مربوط بودن سود به ارزش را نشان دادند؛ ولی نتیجه گرفتند کاهش رابطه بازده و سود نتیجه ورود شرکت‌های جدید به جامعه آماری نیست.

۳. توسعه فرضیه‌ها

به دلیل اینکه شرکت‌های دانش‌محور به‌طور عمده اطلاعات را از یک الگو به الگوهای دیگر انتقال می‌دهند، ایجاد محصولات دانشی سهم بیشتری از منابع نامشهود را احتیاج دارند، نظیر تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی متخصص. به‌علاوه درصد گسترده‌تری از شرکت‌ها که دیرتر به عرصه کسب‌وکار وارد شده‌اند و در حال تحول با روندهای اقتصادی می‌باشند، به دنبال کسب‌وکار مبتنی بر دانش هستند. از طرفی شرکت‌هایی که زودتر به عرصه کسب‌وکار وارد شده‌اند، کسب‌وکار صنعتی را دنبال می‌کنند، مگر اینکه پیشرفت‌هایی در فناوری رخ دهد. با توجه به اینکه بهای تمام‌شده کالاها، فروش‌رفته و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری تقریباً ۸۹٪ کل هزینه‌ها را تشکیل می‌دهند و هزینه‌های مربوط به محصولات دانشی موجب افزایش هزینه‌های فروش، عمومی و اداری می‌شود؛ بنابراین بین ورود پی در پی شرکت‌های جدید یک صنعت و نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری رابطه معکوسی می‌توان نشان داد [۱۶]. بر این اساس می‌توان فرضیه زیر را تدوین کرد:

فرضیه ۱: ورود شرکت‌های جدید به عرصه کسب‌وکار، نسبت هزینه‌های فروش، اداری و عمومی را افزایش می‌دهد.

حداقل دو تحول اقتصادی در محیط کسب‌وکار به‌طور متوسط میزان کیفیت سود را کاهش داده است. اولین تحول اقتصادی افزایش در رقابت کسب‌وکار و عدم اطمینان است. این تحول، نوسان بازده سهام این‌گونه شرکت‌ها را افزایش و نرخ بقای شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. این تحول اقلام خاص را به دلیل تنوع در دارایی‌ها، تجدید ساختار و سود یا زیان حاصل از فروش دارایی‌ها افزایش می‌دهد. افزایش اقلام خاص میزان کیفیت سود را به دلایل زیر کاهش دهد: اقلام خاص کمتر با درآمدهای جاری نسبت به دیگر هزینه‌ها همبسته شده‌اند؛ بنابراین کاهش تطابق را موجب می‌شوند. علاوه بر این، اقلام خاص نسبت به دیگر اجزاء سود، پایداری کمتری دارند؛ بنابراین نوسان‌ها سود را افزایش می‌دهند و در نتیجه افزایش نوسان‌ها مربوط بودن سود را کاهش می‌دهد [۱۶].

دیگر تحول مهم افزایش در استفاده از اقلام نامشهود شرکت‌ها است. مخارج نامشهود که قصد تولید درآمدهایی در آینده داشتند تطابق را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، از سالی به سال دیگر نوسان در سرمایه‌گذاری اقلام نامشهود، نوسان سود را افزایش می‌دهند؛ زیرا درآمدهای جاری ممکنه با این‌گونه سرمایه‌گذاری کاهش یا افزایش یابند. علاوه بر این، شرکت‌هایی با محوریت اقلام نامشهود نوسان بیشتری در سود به نمایش می‌گذارند؛ زیرا سرمایه‌گذاری در آنها عدم اطمینان بیشتری را درخصوص منافع آتی متحمل می‌شوند. افزایش حاصل از نوسان درآمد توانایی سرمایه‌گذار را در خصوص پیش‌بینی عملکرد آینده یک شرکت کاهش می‌دهد که در

نتیجه، موجب کاهش مربوط بودن سود به ارزش می‌شود؛ همچنین در شرکت‌هایی با محوریت اقلام نامشهود، اقلام نامشهود در صورت‌های مالی آنها شناسایی نمی‌شود مگر آنکه به فروش برسانند؛ بنابراین شرکت‌هایی با محوریت اقلام نامشهود نسبت به شرکت‌هایی با محوریت اقلام مشهود، سود مربوط کمتری ارائه می‌دهند [۱۶]. بر این اساس، می‌توان فرضیه‌های زیر را ارائه نمود.

فرضیه ۲: ورود شرکت‌های جدید به عرصه کسب‌وکار، تطابق درآمد و هزینه را کاهش می‌دهد.
فرضیه ۳: ورود شرکت‌های جدید به عرصه کسب‌وکار، نوسان سود را افزایش می‌دهد.
فرضیه ۴: ورود شرکت‌های جدید به عرصه کسب‌وکار، مربوط بودن سود به ارزش را کاهش می‌دهد.

۴. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با برآورد مدل‌های رگرسیون به آزمون فرضیه‌ها می‌پردازد. برای این منظور تمامی شرکت‌های تولیدی و خدماتی بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۳ مورد مطالعه قرار گرفت. شرکت‌های نمونه بر اساس ورود به عرصه کسب‌وکار طبق جدول شماره ۲ به ۴ گروه به شرح زیر طبقه‌بندی شدند:

- گروه پایه (اصلی) شامل شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۷۱ پا به عرصه کسب‌وکار گذاشته‌اند و تعداد آنها ۱۲۱ شرکت است که در گروه شرکت‌های قدیمی جای داده شده‌اند و کلیه صورت‌های مالی و داده‌های آنها از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۳ (که برابر با ۲۴ سال - گروه مشاهدات می‌باشند) مورد تجزیه و تحلیل واقع شده‌اند.

- گروه اول شامل شرکت‌هایی که از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۹ پا به عرصه کسب‌وکار گذاشته‌اند و تعداد آنها ۱۷۴ شرکت است و کلیه صورت‌های مالی و داده‌های آنها از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۹۳ (که برابر با ۲۳ سال - گروه مشاهدات می‌باشند) مورد تجزیه و تحلیل واقع شده‌اند.

- گروه دوم شامل شرکت‌هایی که از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۵ پا به عرصه کسب‌وکار گذاشته‌اند و تعداد آنها ۱۳۴ شرکت است و کلیه صورت‌های مالی و داده‌های آنها از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۳ (که برابر با ۱۴ سال - گروه مشاهدات می‌باشند) مورد تجزیه و تحلیل واقع شده‌اند.

- گروه سوم هم شرکت‌هایی هستند که از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۳ پا به عرصه کسب‌وکار گذاشته‌اند و تعداد آنها ۱۲۹ شرکت است و کلیه صورت‌های مالی و داده‌های آنها از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۳ (که برابر با ۸ سال - گروه مشاهدات می‌باشند) مورد تجزیه و تحلیل واقع شده‌اند. در پژوهش‌هایی نظیر سریواستوا [۱۶] گروه‌بندی بر مبنای دهه‌های مختلف گرفته شده است، وی اذعان داشته که هر دهه نسبت به دهه بعدی دارای تغییراتی در استانداردهای حسابداری می‌باشد

و این ناشی از تحقیقات گسترده محققان به‌منظور ایجاد شفافیت بیشتر در صورت‌های مالی می‌باشد. در این پژوهش نیز این‌گونه گروه‌بندی بر اساس تغییرات عمده رویه‌های حسابداری در این دوره‌ها است.

برای هر یک از مشاهده‌ها (سال-شرکت) داده‌هایی نظیر بازده سالانه، کل دارایی‌های اول دوره، سود، درآمد، هزینه کل، بهای تمام‌شده کالای فروش رفته و هزینه فروش، عمومی و اداری از ۲ سال قبل، سال جاری، یک سال بعد جمع‌آوری شده است.

جدول ۱. طبقه‌بندی شرکت‌های وارد شده به عرصه کسب‌وکار

سال مالی	شرکت‌های جامعه آماری	گروه شرکت‌های قدیمی	گروه اول	گروه دوم	گروه سوم
	در هر سال	کلیه شرکت‌های قبل از سال ۱۳۷۰			
۱۳۷۰	۱۲۲ شرکت	۱۲۲	-	-	-
۱۳۷۱	۱۳۱	۱۲۲	۹	-	-
۱۳۷۲	۱۹۴	۱۲۲	۷۲	-	-
۱۳۷۳	۲۴۴	۱۲۲	۱۲۲	-	-
۱۳۷۴	۲۶۱	۱۲۲	۱۳۹	-	-
۱۳۷۵	۲۸۰	۱۲۲	۱۵۸	-	-
۱۳۷۶	۲۹۴	۱۲۲	۱۷۲	-	-
۱۳۷۷	۲۹۴	۱۲۲	۱۷۲	-	-
۱۳۷۸	۲۹۵	۱۲۲	۱۷۳	-	-
۱۳۷۹	۲۹۶	۱۲۲	۱۷۴	-	-
۱۳۸۰	۳۲۲	۱۲۲	۱۷۴	۲۶	-
۱۳۸۱	۳۷۶	۱۲۲	۱۷۴	۸۰	-
۱۳۸۲	۴۰۰	۱۲۲	۱۷۴	۱۰۴	-
۱۳۸۳	۴۱۹	۱۲۲	۱۷۴	۱۲۳	-
۱۳۸۴	۴۲۷	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۱	-
۱۳۸۵	۴۳۰	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	-
۱۳۸۶	۴۳۴	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۴
۱۳۸۷	۴۴۰	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۱۰
۱۳۸۸	۴۵۷	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۲۷
۱۳۸۹	۴۹۰	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۶۰
۱۳۹۰	۵۲۵	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۹۵
۱۳۹۱	۵۴۹	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۱۱۹
۱۳۹۲	۵۵۹	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۱۲۹
۱۳۹۳	۵۶۰	۱۲۲	۱۷۴	۱۳۴	۱۳۰

مدل تحقیق. مدل های تحقیق برگرفته از تحقیق بران و کاپادیا (۲۰۰۷) است که بر اساس آن رابطه بین ورود شرکت های جدید به عرصه کسب و کار و معیارهای کیفیت سود بررسی شده است [۱۶]. در ادامه مدل ها و نحوه آزمون فرضیه ها ارائه شده است.

جدول ۲. مدل های تحقیق و نحوه آزمون فرضیه ها

مدل	نحوه آزمون فرضیه ها
$SG\&A-Intensity_{group,year} = 1 + 2 * FiscalYear + 1 * DummyYears_{1371_1379} + 2 * DummyYears_{1380_1385} + 3 * DummyYears_{1386_1392} + group,year$	ضرایب متغیرهای Dummy تفاوت بین میانگین نسبت هزینه های فروش، عمومی و اداری گروه ها را نشان می دهند و در صورتی که $1 < 2 < 3$ باشد فرضیه اول تایید می شود.
EQ measures (Matching , volatility , Earnings relevance)	
$EQMeasure_{group,year} = Matching_{group,year} = 1 + 2 * FiscalYear + 1 * DummyYears_{1371_1379} + 2 * DummyYears_{1380_1385} + 3 * DummyYears_{1386_1392} + group,year$	ضرایب متغیرهای Dummy تفاوت بین میانگین تطابق بین درآمد و هزینه گروه ها را نشان می دهد و در صورتی که $1 < 2 < 3$ باشد فرضیه دوم تایید می شود.
Volatility (Revenue volatility, Expense volatility, Earnings volatility)	
$EQMeasure_{group,year} = Volatility_{group,year} = 1 + 2 * FiscalYear + 1 * DummyYears_{1371_1379} + 2 * DummyYears_{1380_1385} + 3 * DummyYears_{1386_1392} + group,year$	ضرایب متغیرهای Dummy تفاوت بین میانگین نوسان درآمد- هزینه- سود گروه ها را نشان می دهند و در صورتی که $1 < 2 < 3$ باشد آنگاه فرضیه سوم تایید می شود.
$EQMeasure_{group,year} = Relevance_{group,year} = 1 + 2 * FiscalYear + 1 * DummyYears_{1371_1379} + 2 * DummyYears_{1380_1385} + 3 * DummyYears_{1386_1392} + group,year$	ضرایب متغیرهای Dummy تفاوت بین میانگین مربوط بودن سود گروه ها را نشان می دهد و در صورتی که $1 < 2 < 3$ باشد فرضیه چهارم تایید می شود.

متغیرهای مدل های جدول ۱ به شرح زیر توضیح داده می شود:

$SG\&A-Intensity_{group,year}$: نسبت هزینه های فروش، عمومی و اداری در هر سال- گروه که برای محاسبه ابتدا نسبت هزینه های فروش، عمومی و اداری هر شرکت را در هر گروه و سپس میانگین نسبت هزینه های فروش، عمومی و اداری هر سال- گروه محاسبه شده است.

$Matching_{group,year}$: تطابق بین درآمد و هزینه در هر سال- گروه که برای محاسبه ابتدا

تطابق هر شرکت در هر گروه و سپس میانگین تطابق هر سال-گروه محاسبه شد. $Volatilitygroup, year$: نوسان درآمد-هزینه-سود در هر سال-گروه که برای محاسبه ابتدا نوسان (درآمد، هزینه و سود) هر شرکت را در هر گروه محاسبه و سپس میانگین نوسان (درآمد، هزینه و سود) هر سال-گروه محاسبه شد.

$Relevancegroup, year$: مربوط بودن سود در هر سال-گروه که برای محاسبه، ابتدا مربوط بودن سود هر شرکت را در هر گروه و سپس میانگین مربوط بودن سود هر سال-گروه محاسبه شد.

$FiscalYear$: سال مالی

متغیرهای $Dummy$ ($DummyYears1371_1379$ ، $DummyYears1380_1385$ ، $DummyYears1386_1392$) معرف گروه‌های اول، دوم و سوم می‌باشند و ارزش آنها صفر یا یک است. لازم به ذکر است که برای معرفی گروه شرکت‌های قدیمی متغیر $Dummy$ در نظر گرفته نشده است؛ چراکه این گروه در جامعه آماری مبنا محسوب می‌شود. در صورتی که داده‌های هر گروهی در حال بررسی باشد متغیر $Dummy$ آن گروه ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد؛ در صورتی که داده‌های گروه شرکت‌های قدیمی در حال بررسی باشند کلیه متغیرهای $Dummy$ صفر هستند چون سایر گروه‌ها بر مبنای این گروه سنجیده می‌شوند.

اندازه‌گیری متغیرها. درآمد برابر فروش در نظر گرفته شده است.

هزینه کل: بهای تمام شده کالای فروش رفته+ هزینه فروش، عمومی و اداری+ سایر هزینه‌ها
نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری: هزینه‌های فروش، عمومی و اداری بر هزینه کل تقسیم شده است.

نوسان (درآمد، هزینه و سود): نوسان درآمد، هزینه و سود با استفاده از انحراف معیار درآمد، هزینه و سود بترتیب برای بازه زمانی ۴ ساله (از دو سال قبل تا یک سال بعد) محاسبه شد [۷].
تطابق هزینه‌ها با درآمدها: بر اساس تحقیق دی‌جی‌و و تانگ [۷] رگرسیون زیر بر اساس داده‌های مقطعی سالیانه برای هر سال-گروه تخمین زده می‌شوند که در آن «تطابق بین درآمد و هزینه» توسط ضریب هزینه‌های جاری β_1 (در رگرسیون زیر که همبستگی هم زمان درآمد و هزینه را نشان می‌دهد، اندازه‌گیری می‌شود.

رگرسیون شماره ۱

$$\text{Revenues}_{i,t} = \beta_{1,t} + \beta_{2,t} * \text{TotalExpenses}_{i,t-1} + \beta_{3,t} * \text{TotalExpenses}_{i,t} + \beta_{4,t} * \text{TotalExpenses}_{i,t+1} + \epsilon_{i,t}$$

$\text{TotalExpenses}_{i,t-1}$ = هزینه‌های سال گذشته؛
 $\text{TotalExpenses}_{i,t}$ = هزینه‌های سال جاری؛
 $\text{TotalExpenses}_{i,t+1}$ = هزینه‌های سال آتی؛

مربوط بودن سود به ارزش: بر اساس یافته‌های ایستون و هریس (۱۹۹۱)، رگرسیون زیر بر اساس داده‌های مقطعی سالانه برای هر سال^۶ تخمین زده می‌شود [۱۶].

رگرسیون شماره ۲

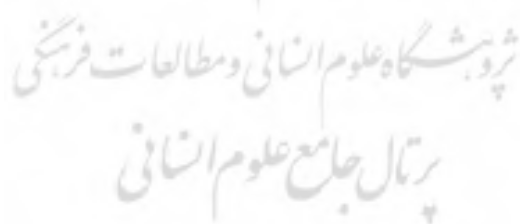
$$\text{Ret}_{i,t} = \beta_{1,t} + \beta_{2,t} * \text{Earnings}_{i,t} + \beta_{3,t} * \text{Earnings}_{i,t+1} + \epsilon_{i,t}$$

$\text{Earnings}_{i,t}$: تغییرات در سود خالص
 $\text{Earnings}_{i,t}$: سود خالص
 $\text{Ret}_{i,t}$: بازده سالانه

«مربوط بودن» سود بوسیله R^2 تعدیل شده اندازه‌گیری شد.

۵. یافته‌ها

آمار توصیفی. آمار توصیفی هر یک از متغیرهای پژوهش که شامل درآمد، هزینه کل، سود و هزینه فروش، اداری و عمومی و می‌باشد، در جدول ۳ ارائه شده است.



جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	گروه‌ها	انحراف معیار	میانگین	کمینه	بیشینه
درآمد	شرکت‌های قدیمی	۰/۲۲۰۱	۰/۹۲۱۴	۰/۰۰۰۱۷	۵/۰۲۲۶
	گروه اول	۰/۲۸۳۱	۰/۹۹۲۵	۰/۰۰۰۰۱۹	۷/۹۰۵۷
	گروه دوم	۰/۲۲۵۷	۰/۹۳۴۴	۰/۰۰۳۶۶۵	۷/۵۱۹۷
	گروه سوم	۰/۳۱۵۱	۱/۲۲۶۷	۰/۰۰۰۰۰۰۲۹	۷/۸۷۹۲
	کلیه شرکت‌ها	۰/۳۰۴۰	۱/۰۱۶۳	۰/۰۰۰۰۰۰۲۹	۷/۹۰۵۷
هزینه کل	شرکت‌های قدیمی	۰/۲۰۴۶	۰/۸۳۵۰۸	۰/۰۰۰۰۵۴	۴/۶۷۰۲
	گروه اول	۰/۲۲۳۲	۰/۸۱۳۴	۰/۰۰۰۰۶۹	۷/۸۹۶۵
	گروه دوم	۰/۱۷۵۷	۰/۷۴۱۶	۰/۰۰۰۰۵۸	۶/۵۷۰۲
	گروه سوم	۰/۲۸۰۵	۰/۹۲۷۶	۰/۰۰۰۰۲۴	۷/۶۷۶۳
	کلیه شرکت‌ها	۰/۲۳۸۰	۰/۸۳۶۴	۰/۰۰۰۰۲۴	۷/۸۹۶۵
سود	شرکت‌های قدیمی	۰/۱۰۲۷	۰/۱۲۸۲	-۳/۴۳۸۱	۱/۹۳۴۶
	گروه اول	۰/۱۰۲۴	۰/۱۷۴۴	-۱/۴۵۰۷	۳/۷۳۸۵
	گروه دوم	۰/۰۸۱۳	۰/۲۰۱۲	-۰/۳۳۴۳	۳/۵۷۸۷
	گروه سوم	۰/۱۳۶۶	۰/۲۳۹۳	-۵/۸۶۵۳	۳/۰۱۵۸
	کلیه شرکت‌ها	۰/۱۱۲۹	۰/۱۷۸۶	-۵/۸۶۵۳	۳/۷۳۸۵
هزینه فروش، عمومی و اداری	شرکت‌های قدیمی	۰/۰۱۹۷	۰/۰۶۷۹	۰/۰۰۰۰۲۴	۰/۱۹۹۵
	گروه اول	۰/۰۲۰۷	۰/۰۶۹۱	۰/۰۰۰۰۲۸	۰/۱۹۹۸
	گروه دوم	۰/۰۲۰۴	۰/۰۶۵۲	۰/۰۰۰۰۵۵	۰/۱۹۹۹
	گروه سوم	۰/۰۲۱۶	۰/۰۶۴۸	۰/۰۰۰۰۱۵	۰/۴۶۶۵
	کلیه شرکت‌ها	۰/۰۲۹۲	۰/۰۸۶۹	۰/۰۰۰۰۲۴	۰/۴۶۶۵

تقریباً کلیه متغیرهای پژوهش دارای نوسان صعودی می‌باشند، بدین معنی که نوسان متغیرها (شاخص انحراف معیار) از گروه شرکت‌های قدیمی به سمت گروه سوم در حال افزایش می‌باشد (البته گروه دوم استثناء است). این مورد در پژوهش سریواستوا [۱۶] هم به چشم می‌خورد و به گفته وی قابل چشم‌پوشی است؛ زیرا کل جامعه آماری روند صعودی نوسان‌ها را نشان می‌دهد؛ همچنین برای مشخص نمودن تغییرات کیفیت سود گروه‌ها، معیارهای کیفیت سود به همراه نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری به شرح جدول ۴ نشان داده می‌شود.

جدول ۴. بررسی ویژگی‌های کیفیت سود و متغیر مربوط به اندازه‌گیری میزان اقلام نامشهود

گروه‌ها	نسبت هزینه فروش، عمومی و اداری	مربوط بودن سود	ویژگی‌های کیفیت سود		
			تطابق بین درآمد و هزینه	نوسانات سود	نوسانات هزینه
شرکت‌های قدیمی	۰/۱۱۵	۰/۱۶۲	۰/۸۷۲	۰/۱۰۲	۰/۲۰۴
گروه اول	۰/۱۱۶	۰/۰۹۷	۰/۸۷۰	۰/۱۰۲	۰/۲۲۳
گروه دوم	۰/۱۴۱	۰/۰۵۹	۰/۷۴۴	۰/۰۸۱	۰/۱۷۵
گروه سوم	۰/۱۶۲	۰/۰۴۰	۰/۶۷۱	۰/۱۳۶	۰/۲۸۰
کل شرکت‌ها	۰/۱۲۹	۰/۰۹۲	۸۲۵/۰	۱۱۲/۰	۰/۲۳۸

نوسان درآمد، هزینه کل، سود و نسبت هزینه فروش، عمومی و اداری گروه‌ها از گروه شرکت‌های قدیمی به سمت گروه سوم افزایش می‌یابد و تطابق بین درآمد و هزینه و همچنین مربوط بودن سود به ارزش کاهش می‌یابد و در کل نشان‌دهنده افزایش نسبت اقلام نامشهود در مقابل نسبت اقلام مشهود می‌باشد و این موضوع دلیلی بر کاهش کیفیت سود از گروه شرکت‌های قدیمی به سمت گروه سوم با ورود شرکت‌های جدید به عرصه کسب‌وکار است.

بررسی مفروضات مدل رگرسیون

آزمون نرمال بودن داده‌ها. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای وابسته آزمون چولگی و کشیدگی و کولموگوروف-اسمیرنوف (K-S) انجام شد. در بررسی آزمون چولگی و کشیدگی تقریباً کلیه متغیرها در بازه (۲ و -۲) قرار گرفته‌اند به غیر از متغیر تطابق بین درآمد و هزینه که از لحاظ کشیدگی نرمال نمی‌باشد. در بررسی آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف (K-S) از آنجا که مقادیر سطح معناداری محاسبه شده کلیه متغیرها بغیر از متغیرهای نسبت هزینه‌های فروش، اداری و عمومی همگی کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض H_0 مبنی بر نرمال بودن داده‌های متغیرها تأیید نمی‌شود؛ در نتیجه برای نرمال کردن داده‌ها از روش‌های تبدیل لگاریتمی و تبدیل باکس کاکس، استفاده شد. در جدول ۵ داده‌های کلیه متغیرها نرمال شده‌اند.

جدول ۵. ادامه آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف (K-S)

متغیر	نوسانات هزینه	نوسانات درآمد	نوسانات سود	نسبت هزینه فروش، عمومی و اداری	مربوط بودن سود	تطابق بین درآمد و هزینه
روش نرمال کردن	LN(X _i)	LN(X _i)	LN(X _i)	BOX COX	LN(X _i)	BOX COX
تعداد مشاهدات	۵۶	۵۶	۵۵	۶۴	۵۷	۵۹
میانگین	-۱/۶۴۱	-۱/۴۴۳	-۲/۳۷۹	-۱/۰۲۹	-۱/۰۰۱	۰/۰۰۰
انحراف معیار	۰/۴۲۹	۰/۳۸۳	۰/۴۴۹	۱/۰۰۱	۰/۳۷۷	۱/۰۰۰
K-S	۱/۳۴	۰/۹۲۸	۰/۱۰۰۸	۰/۸۲۵	۱/۳۱۳	۰/۶۱۵
سطح معناداری	۰/۰۵	۰/۳۵	۰/۲	۰/۵۰۴	۰/۰۶۳	۰/۸۴۳

آزمون استقلال خطاها

جدول ۶. نتایج آزمون استقلال خطاها

مدل	جذر ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	نتایج آزمون دوربین - واتسون
فرضیه اول	۰/۸۰۳	۰/۶۴۴	۰/۶۲۰	۱/۵۰۲
فرضیه دوم	۰/۴۱۰	۰/۱۶۸	۰/۱۰۴	۲/۵۰۷
فرضیه سوم (نوسان درآمد)	۰/۷۹۹	۰/۶۳۸	۰/۶۱۰	۵۵۰/۱
فرضیه سوم (نوسان هزینه)	۰/۷۱۳	۰/۵۰۸	۰/۴۷۰	۶۷۰/۱
فرضیه سوم (نوسان سود)	۰/۸۳۲	۰/۶۹۲	۰/۶۶۸	۵۴۱/۱
فرضیه چهارم	۰/۶۰۴	۰/۳۶۵	۰/۳۱۸	۸۸۷/۱

آزمون هم خطی

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس رگرسیون

مدل	جمع مربعات	درجات آزادی	مربع میانگین	F آماره	سطح معناداری
فرضیه اول	۴۰/۷۱۸	۴	۱۰/۱۸۰	۲۶/۷۴۱	۰/۰۰۰
فرضیه دوم	۱/۳۳۹	۴	۰/۳۳۵	۲/۶۲۵	۰/۰۴۵
فرضیه سوم (نوسان درآمد)	۵/۱۷۲	۴	۱/۲۹۳	۲۲/۵۱۵	۰/۰۰۰
فرضیه سوم (نوسان هزینه)	۵/۱۶۴	۴	۱/۲۹۱	۱۳/۱۸۰	۰/۰۰۰
فرضیه سوم (نوسان سود)	۷/۵۵۹	۴	۱/۸۹۰	۲۸/۱۲۷	۰/۰۰۰
فرضیه چهارم	۲۱/۱۶۴	۴	۵/۲۹۱	۷/۷۵۶	۰/۰۰۰

از آنجاکه در جدول ۷ سطح اهمیت خطا کمتر از ۵٪ است، تمام مدل‌های رگرسیون معنادار است.

جدول ۸. تاثیر ورد شرکت های جدید به کسب و کار و تطابق هزینه ها و درآمدها - نوسانات درآمد، هزینه و سود و مربوط بودن سود

آماره هم خطی	سطح معناداری	آماره T	ضرایب غیر استاندارد		مدل	
			خطای انحراف معیار	B		
	۰/۰۰۰	-۵/۹۹۸	۱۹/۰۳۳	-۱۱۴/۱۵۷	(Constant)	
۱/۳۳۴	۰/۰۰۰	۵/۹۷۰	۰/۰۱۴	۰/۰۸۲	FiscalYear	
۱/۳۴۰	۰/۰۰۹	۲/۷۳۱	۰/۱۸۸	۰/۵۱۳	DummyYears 1371 1379	گ اول
۱/۴۸۳	۰/۰۱۲	۲/۵۷۷	۰/۲۳۳	۰/۶۰۲	DummyYears 1380 1385	گ دوم
۱/۴۵۲	۰/۰۰۰	۳/۸۱۳	۰/۲۹۸	۱/۱۳۵	DummyYears 1386 1392	گ سوم
	۰/۰۰۰	۱۰/۰۷۵	۲/۸۰۵	۲۸/۲۵۷	(Constant)	
۱/۲۷۵	۰/۰۰۰	-۱۰/۰۶۵	۰/۰۰۲	-۰/۰۲۰	FiscalYear	
۱/۲۶۱	۰/۰۴۷	-۱/۹۸۸	۰/۰۲۵	-۰/۰۵۱	DummyYears 1371 1379	گ اول
۱/۳۸۱	۰/۰۰۰	۷/۱۹۶	۰/۰۳۲	۰/۲۲۹	DummyYears 1380 1385	گ دوم
۱/۳۲۹	۰/۰۰۳	-۳/۰۰۱	۰/۰۴۳	-۰/۱۳۱	DummyYears 1386 1392	گ سوم
	۰/۰۰۰	۸/۰۸۷	۸/۷۲۸	۷/۵۸۰	(Constant)	
۱/۳۳۱	۰/۰۰۰	-۸/۲۶۸	۰/۰۰۶	-۰/۰۵۲	FiscalYear	
۱/۲۶۷	۰/۰۰۱	۳/۴۸۲	۰/۰۷۶	۰/۲۶۵	DummyYears 1371 1379	گ اول
۱/۳۸۵	۰/۰۰۱	۳/۵۳۳	۰/۰۹۸	۰/۳۴۸	DummyYears 1380 1385	گ دوم
۱/۴۱۷	۰/۰۰۰	۷/۴۵۵	۰/۱۲۳	۰/۹۱۹	DummyYears 1386 1392	گ سوم
	۰/۰۰۰	۱۱/۴۴۲	۶/۳۷۶	۷۲/۹۴۹	(Constant)	
۱/۳۳۱	۰/۰۰۰	-۱۱/۷۰۸	۰/۰۰۵	-۰/۰۵۴	FiscalYear	
۱/۲۶۷	۰/۰۲۲	۲/۳۱۵	۰/۰۵۶	۰/۱۲۹	DummyYears 1371 1379	گ اول
۱/۳۸۵	۰/۰۰۲	۳/۰۹۷	۰/۰۷۲	۰/۲۲۳	DummyYears 1380 1385	گ دوم
۱/۴۱۷	۰/۰۰۰	۹/۵۷۰	۰/۰۹۰	۰/۸۶۲	DummyYears 1386 1392	گ سوم
	۰/۰۰۰	۱۴/۰۷۶	۶/۷۱۷	۹۴/۵۴۶	(Constant)	
۱/۳۳۶	۰/۰۰۰	-۱۴/۴۳۴	۰/۰۰۵	-۰/۰۷۰	FiscalYear	
۱/۲۶۹	۰/۰۴۶	۲/۰۱۷	۰/۰۵۸	۰/۱۱۷	DummyYears 1371 1379	گ اول
۱/۳۹۱	۰/۰۰۱	۳/۵۵۲	۰/۰۷۴	۰/۲۶۲	DummyYears 1380 1385	گ دوم
۱/۴۳۱	۰/۰۰۰	۱۰/۲۹۰	۰/۰۹۳	۰/۹۵۲	DummyYears 1386 1392	گ سوم
	۰/۰۰۰	۴/۸۷۴	۱۸/۴۷۱	۹۰/۰۳۳	(Constant)	
۱/۳۵۵	۰/۰۰۰	-۴/۸۴۶	۰/۰۱۳	-۰/۰۶۵	FiscalYear	
۱/۲۵۲	۰/۰۰۶	-۲/۷۸۲	۰/۱۷۶	-۰/۴۸۹	DummyYears 1371 1379	گ اول
۱/۲۷۹	۰/۰۳۱	-۲/۱۸۲	۰/۳۳۴	-۰/۷۳۰	DummyYears 1380 1385	گ دوم
۱/۳۷۱	۰/۰۰۱	-۳/۵۸۳	۰/۲۱۶	-۰/۷۷۵	DummyYears 1386 1392	گ سوم

در جدول ۸ ضرایب متغیرهای Dummy فرضیه‌های اول و سوم (درآمد، هزینه، سود) از متغیر DummyYears1371_1379 تا متغیر DummyYears1386_1392 در حال افزایش و مثبت است. مثبت بودن و رو به افزایش بودن ضرایب متغیرهای DummyYears1371_1379، DummyYears1380_1385 و DummyYears1386_1392 در این فرضیه‌ها بدین معنا است که نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، نوسان درآمد، نوسان هزینه و نوسان سود گروه شرکت‌های قدیمی، اول، دوم و سوم به ترتیب افزایش یافته است و این نشان‌دهنده افزایش بکارگیری اقلام نامشهود و کاهش کیفیت سود به ترتیب در گروه شرکت‌های قدیمی تا گروه سوم است؛ همچنین ضرایب متغیرهای Dummy فرضیه دوم بجز متغیر Dummy گروه دوم همگی منفی و رو به کاهش می‌باشند (منظور از منفی بودن یعنی نسبت به گروه اصلی که همان گروه شرکت‌های قدیمی می‌باشد کاهش یافته است). در نتیجه تطابق از گروه شرکت‌های قدیمی تا گروه سوم بجز گروه دوم کاهش یافته است. سربواستوا [۱۶] در پژوهش مشابه اذعان داشته که یکی از گروه‌های پژوهش، این روند کاهش تطابق بین گروه‌ها را نقض نموده است و وی دلیلی برای آن نداشته است؛ اما روند کاهشی در کلیه گروه‌های دیگر مشاهده می‌شود در نتیجه با چشم‌پوشی از گروه دوم می‌توان H1 را پذیرفت.

ضرایب متغیرهای Dummy فرضیه چهارم از متغیر DummyYears1371_1379 تا متغیر DummyYears1386_1392 منفی و در حال کاهش است. منفی بودن و رو به کاهش بودن ضرایب متغیرهای DummyYears1371_1379، DummyYears1380_1385 و DummyYears1386_1392 بدین معنا است که مربوط بودن سود از گروه اصلی که همان گروه شرکت‌های قدیمی است تا گروه سوم کاهش یافته و این نشان‌دهنده افزایش بکارگیری اقلام نامشهود و کاهش میزان کیفیت سود به ترتیب از گروه شرکت‌های قدیمی تا گروه اول، دوم و سوم است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

مبانی نظری تحقیق تاکنون با دیدگاه‌های مختلفی در خصوص علت عمده تغییرات کیفیت سود برخورد داشته است. این پژوهش دیدگاه‌های مختلف را در چهار گروه طبقه‌بندی نموده است.

- اولین گروه، محققان هستند که اذعان دارند هیچ‌گونه نگرانی در کاهش یافتن کیفیت سود دیده نمی‌شود. آنان در دوره‌های کوتاه‌مدت با استفاده از داده‌های شرکت‌هایی که در همان دوره بودند از ابعاد مختلف نظیر کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، پیش‌بینی‌پذیری سود، هموار بودن سود، ویژگی‌های مطلوب و نامطلوب اجزای سود خالص و ... کیفیت سود را اندازه‌گیری کردند که

حاصل آن روند کاهشی کیفیت سود در طول دوره مورد مطالعه را نشان نداده است [۴، ۱۳، ۱۸].
 - دومین گروه دلیل اصلی کاهش کیفیت سود را تغییر در رویه‌های حسابداری می‌دانند. آنان کاهش در تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها و کاهش در مربوط بودن سود و همچنین وجود تکنولوژی بالا (که به نوعی موجب افزایش اقلام نامشهود و ایجاد هزینه مرتبط با آن می‌باشد) یا تکنولوژی پایین در شرکت‌ها را نتیجه ورود شرکت‌های جدید به جامعه آماری یا تغییر در ترکیب صنایع جامعه آماری شرکت‌ها و یا تغییر در اقتصاد واقعی نمی‌دانند [۷، ۱۱].

- سومین گروه دلیل اصلی کاهش کیفیت سود را تغییر در رویه‌های حسابداری و تغییرات اقتصادی می‌دانند. آنان برخی از پارامترهای حسابداری از قبیل شاخص‌های مرتبط با تطابق ضعیف، کیفیت اقلام تعهدی و هموارسازی سود و همچنین برخی از پارامترهای اقتصادی مشتمل بر زیان، اندازه شرکت، معیارهای رشد، نوع صنعت، نوسانات درآمدها و جریان‌های نقدی و چرخه عملیاتی شرکت‌ها را مورد مطالعه قرار دادند که نتایج پژوهش‌ها نشان داد، تحولات اقتصادی و تغییرات در اصول پذیرفته‌شده حسابداری علت کاهش کیفیت سود می‌باشد [۵، ۸، ۱۲].

- چهارمین گروه عمده‌ترین عامل کاهش کیفیت سود را تغییرات اقتصادی می‌دانند. آنان کاهش تطابق و مربوط بودن سود و افزایش نوسانات سود معلول افزایش اقلام نامشهود که برخاسته از ورود شرکت‌های جدید در هر صنعت به عرصه کسب‌وکار است؛ چراکه این شرکت‌ها، از اقلام نامشهود بیشتری استفاده می‌کنند؛ درواقع تغییرات اقتصادی حاکم بر هر بازه موجب افزایش اقلام نامشهود و کاهش کیفیت سود شرکت‌ها شده است [۱۶].

این تحقیق تغییر کیفیت سود در طول زمان و تاثیر تغییرات اقتصادی حاکم بر هر بازه زمانی بر متغیرهای کیفیت سود نظیر نوسان درآمد، هزینه، سود و تطابق بین درآمد و هزینه، مربوط بودن سود به ارزش و همچنین نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری که نماینده نحوه اندازه‌گیری میزان بکارگیری اقلام نامشهود شرکت‌ها بوده را بررسی کرده است. با ورود شرکت‌های جدید در قالب یک گروه به جامعه آماری به ترتیب از گروه شرکت‌های قدیمی که پایه اصلی این گروه‌بندی بوده است، تا گروه سوم (شرکت‌های جدیدالورود به عرصه کسب‌وکار) نوسان درآمد، هزینه، سود و نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری افزایش یافت و تطابق بین درآمد و هزینه و مربوط بودن سود به ارزش در بین این گروه‌ها رو به کاهش نشان داد. در واقع شیوه سنجش متغیرهای کیفیت سود نشان می‌دهد که تحولات اقتصادی سهم عمده‌ای در کاهش کیفیت سود داشته است.

نتایج این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش سریواستوا [۱۶] هم راستا می‌باشد و پژوهش داخلی جامعی که نتایج آنها قابل مقایسه با نتایج پژوهش حاضر باشد یافت نشد.

در این تحقیق، نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری به‌عنوان یک معیار برای اندازه‌گیری اقلام نامشهود مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا شرکت‌ها مخارج مربوط به اقلام نامشهود را از طریق حساب‌های فروش، عمومی و اداری هزینه می‌کنند و این معیار برای سنجش دانش محور بودن شرکت‌های موجود و نوظهور است اگر چه متغیرهای دیگری برای این سنجش وجود دارند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از نسبت‌هایی نظیر ارزش بازار به ارزش دفتری و هزینه‌های تحقیق و توسعه بجای نسبت هزینه‌های فروش، عمومی و اداری برای اندازه‌گیری نسبت اقلام نامشهود شرکت‌ها استفاده شود.

در پایان نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند درک مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه را از اینکه کیفیت سود در طول زمان چگونه تغییر کرده و چه عواملی بیشترین سهم را در تغییرات کیفیت سود در طول زمان داشته افزایش دهد. درک علل این تغییرات به تحلیل کیفیت سود کمک می‌کند.



منابع

1. Arabmazar Yazdi Mohammad, Karani Kambiz. (1390). Examine the relationship between earnings quality evidence of benefit increases with increase revenue by Tehran Stock Exchange. *Financial management and accounting*, 2, S124-111.
2. Banker, R.D., Huang, R., Natarajan, R., (2011). Equity incentives and long-term value created by SG&A expenditure. *Contemporary Accounting Research*, 28, 794° 830.
3. Baumol, W.J., Schramm, C.J., (2010). In: Maglio, Paul P., Kieliszewski, Cheryl A., Spohrer, James C. (Eds.), Foreword, Handbook of Service Science: Research and Innovations in the Service Economy, Springer, New York, pp. ix° xi.
4. Blue, Qgasem and khurasani Raza. (1389). The earnings quality changes over time in companies listed in Tehran Stock Exchange. (Master's thesis accountancy). Allameh Tabatabai University, *Faculty of Management and Accounting*, Iran.
5. Collins, D., Maydew, E., Weiss, I., (1997). Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past 40 years. *Journal of Accounting and Economics* 24(1), 39° 67.
6. Desai, M. & Dharmapala, D (2009). Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-Tax Alignment, *National Tax Journal*, 62.
7. Dichev, I., Tang, V., (2008). Matching and the changing properties of accounting earnings over last 40 years. *Accounting Review* 83(6), 1425° 1460.
8. Donelson, D.C., Jennings, R., McInnis, J., (2011). Changes over time in the revenue-expense relation: accounting or economics. *Accounting Review* 86(3), 945° 974.
9. Karami Gholamreza, Moradi Mohammad taghi, Moradi Feridun, and Mossalanejad Armita. (1385). Linear and nonlinear relationships between financial ratios and stock return in Tehran Stock Exchange. *Accounting and auditing studies*, 13(46): 19 36.
10. Kordestani Gholamreza and Siamak Taiafe (1392). Qualitative characteristics of profit and the cost of equity capital, *Financial Research*, 15(1): 75-94.
11. Lev, B., Zarowin, P., (1999). The boundaries of financial reporting and how to extend them. *Journal of Accounting Research*, 37(2): 353° 385.
12. Mashayehki Bita and Mennati Vahid. (1392). Factors affecting earnings volatility. *Journal of Financial Accounting*, 5(20), 66. 89.
13. Monem R. M. and S. Farshadfar (2007). Has earnings quality declined over time?, www.accg.mq.edu.au/Accg_docs/pdf/seminar_papers/2007/E_Quality_Monem.
14. Rahmani, Ali and Esmaili Gharibe. (1393). Stock companies and its impact on the value relevance of intangible assets in profit. *Journal of Financial Accounting experimental studies*, 11(43), 1-23.
15. Salamudin, N, Bakar, R, Ibrahim, M, Haji Hassan, F. (2011). Intangible assets valuation in the Malaysian capital market. *Journal of Intellectual Capital*, 11(3), 391-405.
16. Srivastava, Anup, (2014). Why have measures of earnings quality changed over time? *Journal of Accounting and Economics* 57, 196° 217.
17. Zahedi Tehrani Parivash, Sadeghi Sharif Seyyed Jalal. (1391). Explain and analyze the causal relationship between macroeconomic factors price index at Tehran Stock Exchange. *Financial management and accounting*, 5, 89- 65.
18. Zarif fard Ahmad, and Jahankhani Ali. (1378). Identify and analyze the factors affecting the quality assessment of profit firms (doctoral dissertation). Tehran University, School of Management, Iran.